



"مقاله پژوهشی"

بررسی دقت مساحی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی، RTK و PPK نسبت به GPSهای دستی رایج طرح‌های جنگلداری

علیرضا حسین پور^۱، جعفر اولادی^۲، حسن اکبری^۳ و محمدرضا سراجیان^۴

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم جنگل، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران، (نویسنده مسوول: arhoseinpour88@gmail.com)

۲- دانشیار، گروه علوم جنگل، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

۳- استاد، گروه مهندسی نقشه‌برداری، دانشکده مهندسی نقشه برداری و اطلاعات مکانی، پردیس دانشکده‌های فنی، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۳

صفحه: ۱۰ تا ۲۱

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: مساحی دقیق جنگل‌کاری‌ها دارای اهمیت فراوانی در مدیریت جنگل‌ها می‌باشد. اما از سوی دیگر مساحی زمینی جنگل‌کاری‌ها با استفاده از GPSهای رایج دستی، مشکلاتی نظیر سختی اندازه‌گیری در توپوگرافی جنگل، مزاحمت گونه‌های علفی و چوبی، دقت نسبتاً پایین، هزینه و زمان زیاد استفاده از DGPS را به همراه دارد. پهپادها مزیت‌های فراوان نظیر انعطاف زمانی و مکانی در مساحی با تفکیک زیاد در حد سانتی‌متر دارند.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق از پهپاد عمودپرواز جهت مساحی جنگل‌کاری‌ها بدون استفاده از نقاط کنترل زمینی، سیستم (RTK) و یا (PPK) استفاده شد و دقت مساحی بدست آمده با نتایج مساحی حاصله از GPSهای رایج دستی مقایسه شد. پرند بدون سرنشین مورد استفاده در این مطالعه پهپاد کوادکوپتر و دارای قدرت تفکیک مکانی متوسط ۲/۵ سانتی‌متر بوده است. جهت مقایسه دقت مساحی از ۷ محوطه ۰/۵، ۱، ۱/۵، ۲، ۲/۵، ۳ و ۴ هکتار استفاده شد و مساحی با GPS به روش برداشت نقطه و مسیر انجام گردید. مساحی با پهپاد در ارتفاع پرواز ۵۰ و ۷۵ متر صورت گرفت و از مساحی با تئودولیت به عنوان شاخص مقایسه دقت مساحی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که مساحی با دستگاه‌های GPS رایج دستی به روش برداشت نقطه، دقیق‌تر از مساحی به روش برداشت مسیر است و مساحی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی، سیستم (RTK) و یا (PPK) دقیق‌تر از مساحی با GPSهای رایج نیست و با افزایش ارتفاع پرواز، خطای مساحی با روندی تقریباً ثابت افزایش می‌یابد اما با اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی، مساحی با پهپاد دقیق‌تر از GPSهای رایج می‌گردد و خطا به کمتر از یک درصد کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه در ایران، این تکنیک هنوز وارد مطالعات تهیه و اجرای طرح‌های جنگلداری و پایش جنگل‌کاری‌ها و مساحی آنها نشده است، نتایج این پژوهش می‌تواند در اجرای طرح‌های جنگلداری تأثیرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: جنگل‌کاری، هواپیمای بدون سرنشین، تئودولیت، کوادکوپتر، ضریب تصحیح

مقدمه

گردیده تا توجه متخصصین منابع طبیعی به GPS فزونی یابد. روی^۲ (۷) نخستین بار برای استفاده از GPS در محیط جنگلی آنرا به یک تیر بلند به ارتفاع ۱۰ متر بست و آنرا بالای تاج برد تا بتواند موقعیت نقطه را ثبت نماید. سنگینی تیر استفاده از آنرا دشوار می‌نمود. اسپروس^۳ و همکاران (۹) در رابطه با سرعت عمل اسکیدرها در شرایط بدون پوشش و زیر تاج پوشش جنگلی مطالعه کردند و دریافتند که دقت GPS زیر آشکوب‌های گیاهی کاهش می‌یابد. ویل^۴ و همکاران (۱۲) نشان دادند که با افزایش تراکم تاج پوشش، بی‌نظمی‌ها و انفصال‌های بیشتری در نقشه‌های تولید شده بوسیله GPS حاصل می‌شود. حبشی و همکاران (۴) طی تحقیقی در زمینه بررسی میزان دقت مساحی GPSهای مورد استفاده کارشناسان جنگل نشان دادند که دقت سیستم موقعیت‌یاب جهانی در زیر تاج پوشش متراکم در حد پایین می‌باشد که با افزایش سطح مساحی، پلی‌گون‌های دایره‌ای برداشت شده وزون‌تر خواهند شد و گیرنده گارمین مدل Etrex تنها می‌تواند برای سطح بالای ۳ هکتار با خطای ۱۰ درصد جهت مساحی عرصه‌های جنگلی کاربرد داشته باشد. به مرور زمان با توزیع بهینه ماهواره‌ها زمان دستیابی به مختصات نقاط با دقتی قابل قبول زیر تاج پوشش جنگلی کاهش یافت.

جنگل‌ها نقش مهمی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند و جنگل‌کاری با گونه‌های جنگلی و عملیات‌های مراقبتی پس از آن، توسعه پایدار جنگل را به همراه خواهد داشت. مساحی جنگل‌کاری‌ها نقش مهمی در برنامه‌ریزی زمانی، مکانی و پایش دقیق آنها دارد. بسیاری از عوامل تخریب نهال‌ها نظیر برف و طوفان غیرقابل پیش‌بینی بوده و پس از کاشت، موجب آسیب رساندن به آنها می‌شوند و سطح جنگل‌کاری موفق را تغییر می‌دهند. بسیاری از اطلاعات مورد استفاده در مدیریت جنگل مبنای جغرافیایی داشته و نیازمند به‌روز شدن می‌باشند. عموماً نقشه‌هایی که از عکس‌های هواپیماهای سرنشین‌دار در گذشته تهیه شدند، چنین پتانسیلی را ندارند. سیستم موقعیت‌یاب جهانی GPS^۱ می‌تواند چنین امکانی را فراهم نمایند. امروزه استفاده از این سیستم در علوم مهندسی جنگل جهت ارزیابی عملکرد ماشین‌آلات بهره‌برداری جنگل، بهبود فعالیت‌های مهندسی (۱۰) در آماده‌سازی رویشگاه، مدیریت متمرکز جنگل‌کاری‌ها و برداشت مختصات قطعات جنگل‌کاری یا مناطق احیایی (۲) عمومیت یافته است. استفاده روزافزون از این فناوری در مدیریت جنگل و مساحی عرصه‌های منابع طبیعی برای تفکیک انفال از مستثنیات و همچنین مساحی جنگل‌کاری‌ها و عرصه‌های جنگلی باعث

۵۰۰ هکتار می‌توان به دقت مسطحاتی و ارتفاعی در حدود ۵ سانتی‌متر دست یافت و نقشه کاداستر تهیه نمود. خطای بیشینه مسطحاتی و ارتفاعی در این حالت در حدود ۱۰ سانتی‌متر برآورد گردید. قابل ذکر است استفاده از نقاط کنترل زمینی برای مساحی جنگل‌کاری با پهپاد و یا بهره‌گیری از DGPS در پهپاد برای مساحی این عرصه‌ها مسائل و مشکلاتی به همراه دارد. از جمله این مسائل می‌توان هزینه سنگین و زمان زیاد جهت مساحی در جنگل با توجه به سطح جنگل‌کاری، قطع ارتباط ایستگاه ارسال سیگنال با دستگاه دریافت‌کننده جهت تصحیح خطا به علت وجود یال و دره‌های عمیق را نام برد که در انتخاب و اجرای روش مساحی در جنگل تأثیری مهم دارد. نتایج تحقیقات شکری و صادقیان (۸) نشان داد که با روش فتوگرامتری پهپاد می‌توان بدون استفاده از نقاط کنترل زمینی به دقت مسطحاتی و ارتفاعی مورد نیاز به منظور تولید و بازنگری نقشه‌های بزرگ‌مقیاس رقومی دست یافت.

امروزه پهپادهای تجاری ارزان قیمت با دوربین‌هایی با کیفیت وارد بازار می‌شود و در صورت تأیید قابلیت آن در مساحی قابل قبول جنگل‌کاری‌ها، از این فناوری می‌توان به صورت فراگیر در پایش جنگل‌کاری‌ها و جنگل‌ها استفاده نمود اما لازم است دقت مساحی پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی و بدون استفاده از DGPS نسبت به مساحی با GPS‌های رایج دستی در جنگل بررسی شود.

گرچه در برخی کشورها تحقیقاتی در زمینه استفاده از پهپاد در پایش جنگل‌کاری‌های وسیع و غالباً همسال صورت گرفته است (۱۱)، ولی در کشورمان، این تکنیک هنوز وارد مطالعات تهیه و اجرای طرح‌های جنگلداری و پایش جنگل‌کاری‌ها و مساحی آنها نشده است.

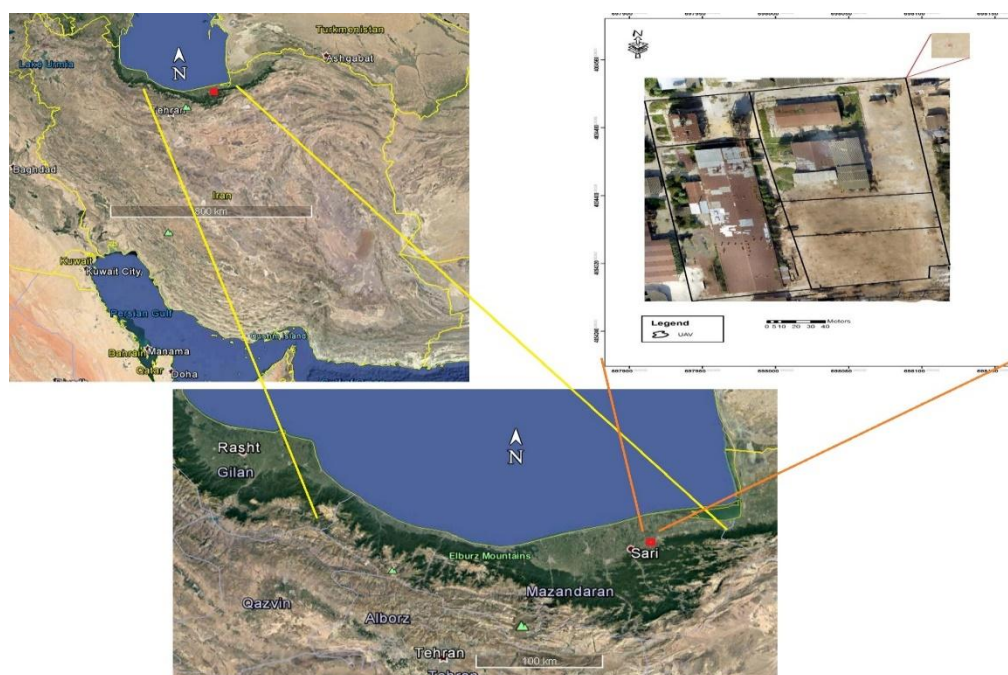
مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

یارد طرح جنگلداری نکاظالمروود واقع در جنگل‌های شمال کشور در استان مازندران و شرق رودخانه تجن منطقه مورد پژوهش بوده است. این منطقه در زون شماره ۳۹ و در محدوده ۶۹۷۹۰۰ الی ۶۹۸۱۵۰ شمالی و ۴۰۵۴۲۴۰ الی ۴۰۵۴۵۶۰ شرقی و در ارتفاع ۳۱ متر از سطح دریا قرار دارد و منطقه‌ای جلگه‌ای و مسطح است (شکل ۱).

پایش زمینی جنگل‌کاری‌ها به صورت دقیق و مداوم مشکلاتی را به همراه دارد. یکی از عوامل اصلی ایجاد این مشکلات، توپوگرافی جنگل‌های شمال می‌باشد که بررسی وضعیت سلامت و رشد جنگل‌کاری‌ها و مساحی آنرا سخت، طاقت‌فرسا و زمان‌بر می‌نماید. همچنین به علت رشد سریع گونه‌های مهاجم علفی و چوبی، ورود به منطقه جنگل‌کاری بسیار مشکل و حتی در بعضی از موارد غیرممکن می‌کند و صرفاً با استفاده از هرس عبوری (که بسیار زمان‌بر و هزینه‌زا است)، مساحی را امکان‌پذیر می‌سازد. با وجود پوشش علفی و چوبی مزاحم، سطحی که نیاز به عملیات پرورشی دارد، قابل اندازه‌گیری نخواهد بود و به این ترتیب، جهت واکاری گونه‌ای که بیشترین آسیب را دیده، نمی‌توان به درستی اقدام نمود. فناوری عکس‌برداری هوایی و فضایی به علت تعدد روزهای ابری در مناطق جنگلی، هزینه بالای تهیه تصاویر ماهواره‌ای، مشکل دسترسی آنلاین و بروز به تصاویر ماهواره‌ای با قابلیت تفکیک مکانی زیاد، در ایران برای مساحی جنگل‌کاری‌ها استفاده نمی‌شود. در حال حاضر امکان استفاده رایگان از تصاویر وب‌سایت گوگل^۱ و نرم‌افزار جانبی این وب‌سایت^۲ وجود دارد اما جهت استفاده از آن باید از به‌روز بودن تصاویر آن جهت مساحی نهالکاری‌های جدید، اطمینان حاصل کرد. از طرفی، تصاویر ارائه شده این سایت، از نظر قدرت تفکیک مکانی و کیفیت تصویر، دقت کمتری نسبت به تصاویر پهپاد دارد (۳). از آنجا که وسعت جنگل‌کاری‌ها نسبت به جنگل‌های اطراف آن، بسیار کمتر است، نیازی به تصویربرداری کامل جنگل‌ها جهت پایش جنگل‌کاری‌ها نمی‌باشد در نتیجه برای پایش آنها، بجای تصویربرداری از کل جنگل (برخلاف ماهواره که کل منطقه را تصویربرداری می‌کند) می‌توان از پهپاد^۳ (پرنده هدایت‌پذیر از راه دور) استفاده نمود. پهپادها مزیت‌های فراوانی دارند، رنگو^۴ و همکاران (۶) یکی از مزیت‌های پهپاد را انعطاف زمانی و مکانی پرواز و تصویربرداری در تمام ساعات شبانه‌روز و در شرایط جوی مختلف حتی بارندگی ملایم اعلام نمودند. هانت^۵ و همکاران (۵) دقت تصویربرداری زیاد (اندازه پیکسل کمتر از ۵ سانتی‌متر) را از خصوصیات مهم آن عنوان نمودند و این موضوع اهمیت زیادی در دقت مساحی دارد.

نتایج تحقیقات باغانی و همکاران (۱) نشان داد که با استفاده از طراحی پرواز مضاعف پهپاد و بهره‌بردن از تنها ۹ نقطه کنترل زمینی با استفاده از DGPS برای مساحت حدود



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان مازندران
Figure 1. Location of the study area in Mazandaran Province

مواد و روش ها

از پهپاد عمودپرواز چهار موتوره مدل فانتوم ۳ پروفشنال و دارای دوربین ۱۲/۷ مگاپیکسل Sony Exmor استفاده شد که توانایی تصویربرداری در طول موج ۰/۴ الی ۰/۷ میکرومتر (باند های آبی، سبز و قرمز) را داشت و تصاویری با اندازه پیکسل ۱/۷ و ۳/۱ سانتی متر در ارتفاع پرواز ۵۰ و ۷۵ متر تولید نمود. نرم افزار Pix4dCapture جهت طراحی پرواز اتوماتیک استفاده شد و از نرم افزار Pix4dmapper برای تولید موزاییک تصاویر پهپاد و تصحیح هندسی استفاده شد. از نرم افزار ArcGIG نیز برای محاسبات و خروجی نقشه ها استفاده گردید. برای مساحی زمینی جنگل کاری ها از دستگاه های GPS مدل Garmin 60csx که دستگاه رایج در طرح های جنگلداری ایران است، استفاده شد. از دوربین تئودولیت برای سنجش دقت مساحی پهپاد و GPS های رایج استفاده گردید.

روش پژوهش

برای بررسی میزان دقت مساحی، ۷ محوطه ۰/۵، ۱، ۱/۵، ۲، ۲/۵، ۳ و ۴ هکتار انتخاب شد. نمونه ها مسطح و شکل هندسی آنها به صورت چهار ضلعی انتخاب گردید. جهت مساحی نمونه ها با استفاده از GPS های رایج طرح های جنگلداری به دو روش برداشت نقطه و برداشت مسیر اقدام شد. در روش اول مختصات مکانی محل تلاقی اضلاع با استفاده از دو دستگاه GPS برداشت شد و در نرم افزار ArcGIS، شکل هندسی نمونه ها ترسیم شد و مساحی آن انجام گرفت و در روش دوم از روش برداشت مسیر^۳ جهت مساحی استفاده شد و به طور مستقیم در عرصه، مساحت نمونه ها با استفاده از GPS محاسبه شد و همچنین برای

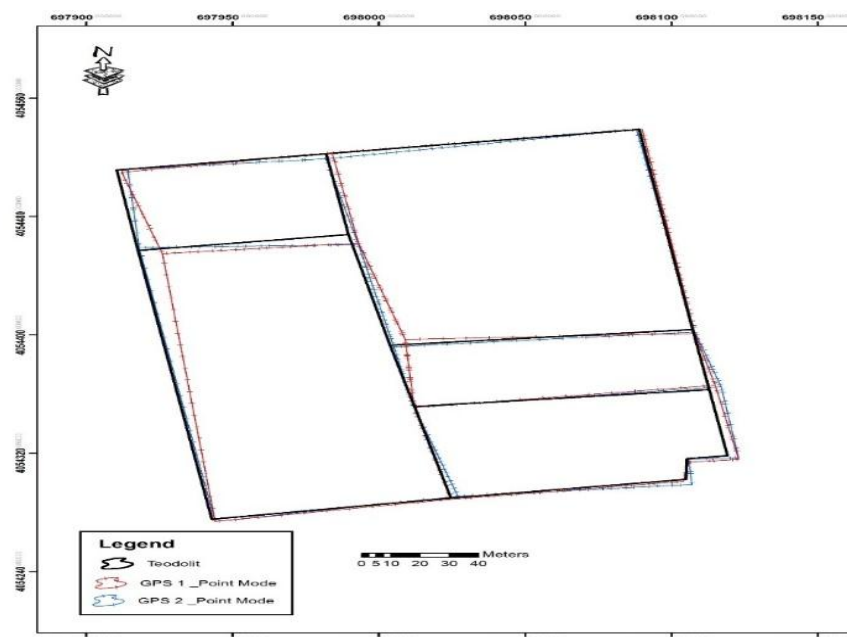
اطمینان از دقت، نتایج در نرم افزار ArcGIS نیز پیاده سازی گردید. جهت مساحی با استفاده از پهپاد، محل تلاقی اضلاع نمونه ها، با رنگ علامت گذاری شد و سپس طرح پرواز در ارتفاع ۵۰ و ۷۵ متر با پوشش مشترک طولی و عرضی ۸۰ درصد، طراحی شد و پرواز و تصویربرداری انجام گرفت و در محیط نرم افزارهای تخصصی پهپاد نظیر Pix4D Mapper، Agisoft PhotoScan تصاویر پهپاد در کنار هم قرار داده شد و موزاییک تصاویر تهیه شد و مساحت آن محاسبه شد. قابل ذکر است با توجه به موضوع تحقیق، نقاط کنترل زمینی با استفاده از DGPS^۲ برداشت نشد و از GPS داخلی پهپاد برای ژتوتک کردن مختصات هر تصویر استفاده شد. جهت مساحی هریک از نمونه ها با استفاده از دوربین تئودولیت توسط اکپ نقشه بردار زمینی، محل تلاقی اضلاع با میخ های فلزی پیکه کوبی شد و سپس با استفاده از دوربین، زاویه خوانی شاخص فلزی در محل تلاقی اضلاع صورت گرفت و با استفاده از متر فلزی ۵۰ متری، فواصل نیز به دست آمد و همچنین فواصل ۵۰ متری روی زمین با رنگ، علامت گذاری شد. سپس عملیات دفتری جهت تعیین مساحت ها صورت گرفت و این مساحی به عنوان معیار تعیین صحت مساحی استفاده شد. همچنین جهت کاهش خطای مساحی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی، ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی محاسبه شد. برای این منظور، نحوه پراکنش خطای محاسبه سطح در تصاویر پهپاد بررسی شد و طول اضلاع شمالی-جنوبی، شرقی-غربی و اضلاع قطری (شمال غربی به جنوب شرقی و شمال شرقی به جنوب غربی) در قطعه نمونه به مساحت ۴ هکتار بر روی تصاویر پهپاد در ارتفاع ۵۰ و ۷۵ متر اندازه گیری شد و با طول متناظر آنها در

با GPS به روش برداشت نقطه و مقایسه آن با نقشه تئودولیت را نشان می‌دهد. با وجود تشابه دستگاه‌های GPS، نقشه‌های متفاوتی از هر کدام از دستگاه‌ها تولید شد (شکل ۲). با افزایش مساحت قطعات نمونه، میزان اختلاف مساحت بدست آمده از GPS‌ها به روش برداشت نقطه نسبت به مساحت واقعی، روند ثابت و مشخصی را نشان نمی‌دهد و گاهی کاهش و گاهی افزایش می‌یابد و هر کدام از GPS‌ها نیز مساحت متفاوتی را نشان می‌دهد. شکل ۳ نمودار اختلاف مساحی دستگاه‌های موقعیت‌یاب مکانی به روش برداشت نقطه نسبت به تئودولیت بر حسب مترمربع و شکل ۴ آنرا بر حسب درصد نشان می‌دهد.

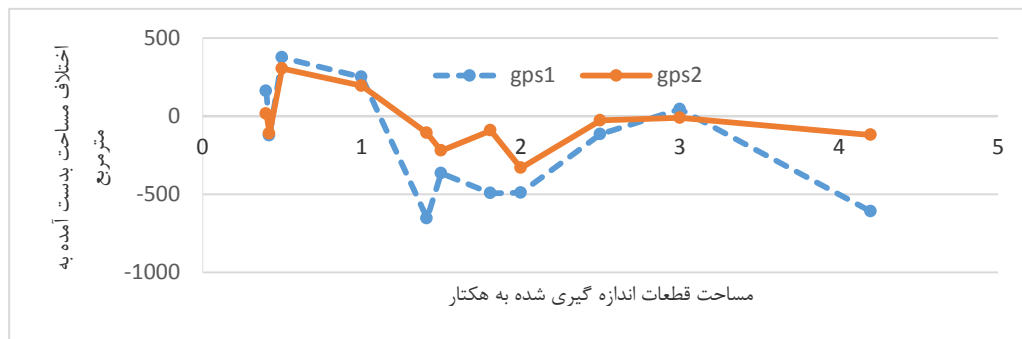
برداشت با دوربین تئودولیت مقایسه شد و ضریب تصحیح خطای مساحی با پهناد برای هر کدام محاسبه شد و ضریب تصحیح میانگین (قطری) به عنوان ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی بر روی تصاویر پهناد اعمال شد. دقت مساحی انجام شده با پهناد و دستگاه GPS نسبت به مساحی با دوربین تئودولیت، با استفاده از نرم‌افزار SAS و آزمون آماری T-Test، سنجیده شد.

نتایج و بحث

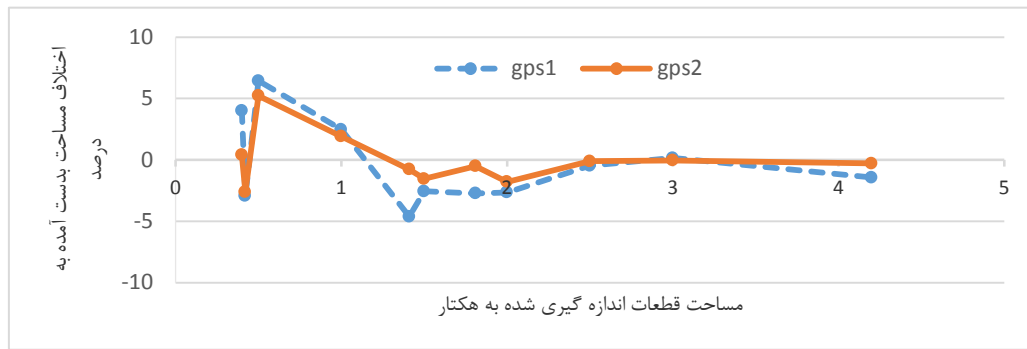
محاسبات گروه نقشه‌بردار با دوربین تئودولیت نشان داد که خطای محاسبه طول برابر ۱۰ سانتی‌متر به ازای هر ۱۰۰ متر و به عبارتی ۰/۱ درصد بوده است. شکل ۲ نقشه مساحی



شکل ۲- نقشه تهیه شده با استفاده از GPS به روش برداشت نقطه و مقایسه آن با نقشه تهیه شده با تئودولیت
Figure 2. Map prepared using GPS in point method and comparing with the map prepared with Teodolite



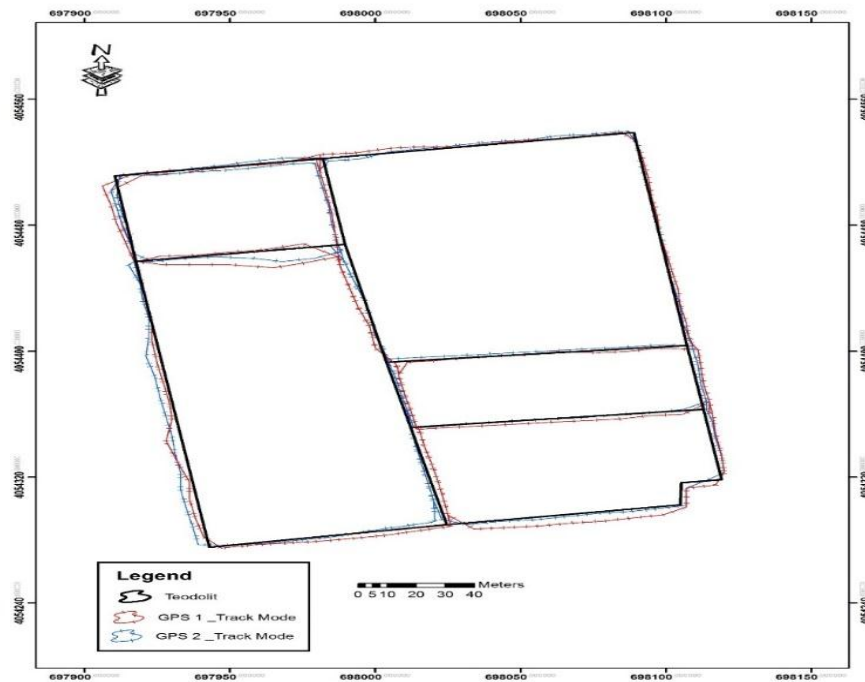
شکل ۳- نمودار اختلاف مساحی GPS به روش برداشت نقطه نسبت به تئودولیت بر حسب مترمربع
Figure 3. GPS surveying difference diagram in point method rather than Teodolite in square meter



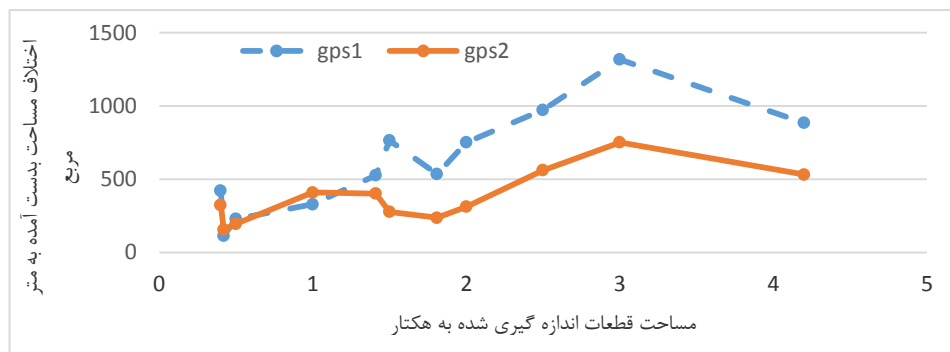
شکل ۴- نمودار میزان اختلاف مساحی GPS به روش برداشت نقطه نسبت به مساحی تئودولیت بر حسب درصد
Figure 4. GPS surveying difference diagram in point method rather than Teodolite in percent

مساحی GPS به روش برداشت مسیر نسبت به مساحی تئودولیت بر حسب مترمربع و شکل ۷ بر حسب درصد نشان می دهد.

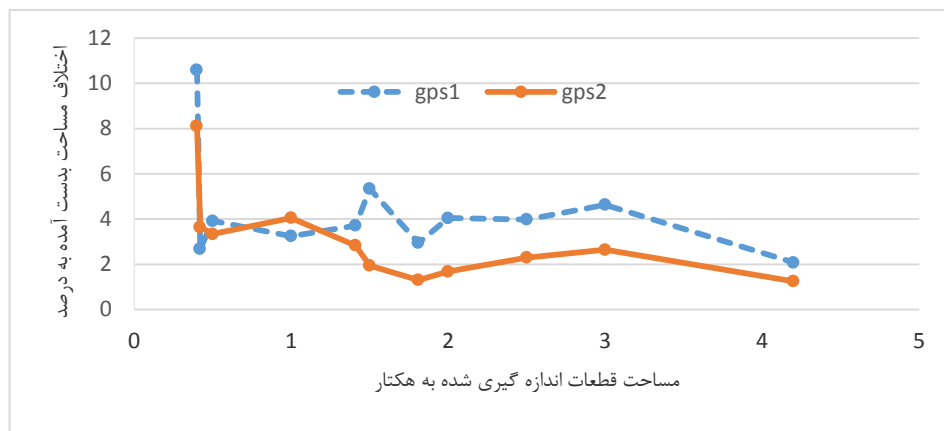
شکل ۵ نقشه تهیه شده با استفاده از GPS به روش برداشت مسیر و مقایسه آن با نقشه تهیه شده تئودولیت را نشان می دهد. در این مورد نیز با وجود تشابه دستگاه های GPS، نقشه های متفاوتی تولید شد. شکل ۶ نمودار اختلاف



شکل ۵- نقشه تهیه شده با استفاده از GPS به روش برداشت مسیر و مقایسه آن با نقشه تهیه شده تئودولیت
Figure 5. Map prepared using GPS in track method and comparing with the map prepared with Teodolite

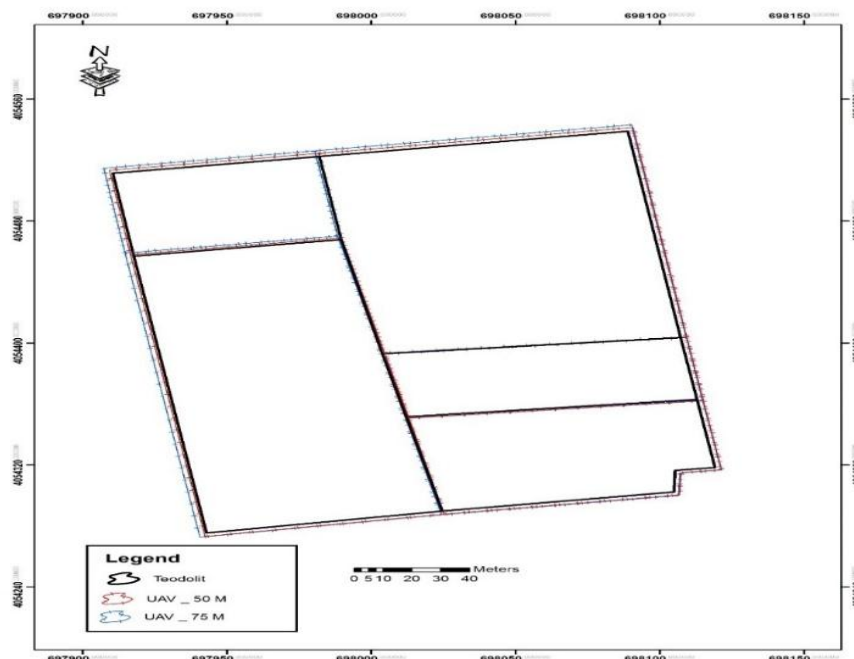


شکل ۶- نمودار اختلاف مساحی GPS به روش برداشت مسیر نسبت به مساحی تئودولیت بر حسب مترمربع
Figure 6. GPS surveying difference diagram in track method rather than Teodolite in square meter

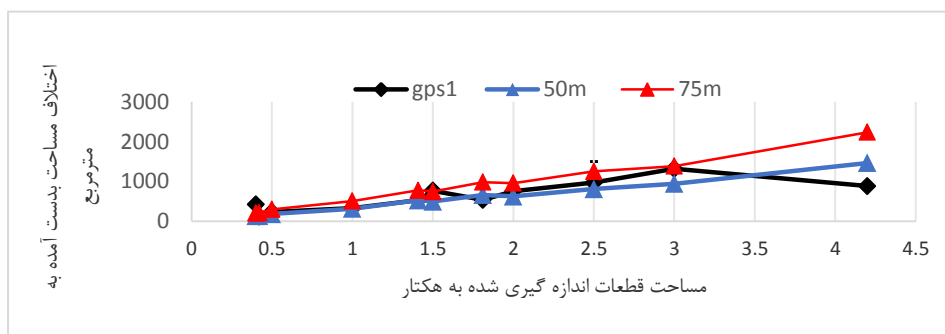


شکل ۷- نمودار اختلاف مساحی GPS به روش برداشت مسیر نسبت به تئودولیت بر حسب درصد
Figure 7. GPS surveying difference diagram in track method rather than Teodolite in percent

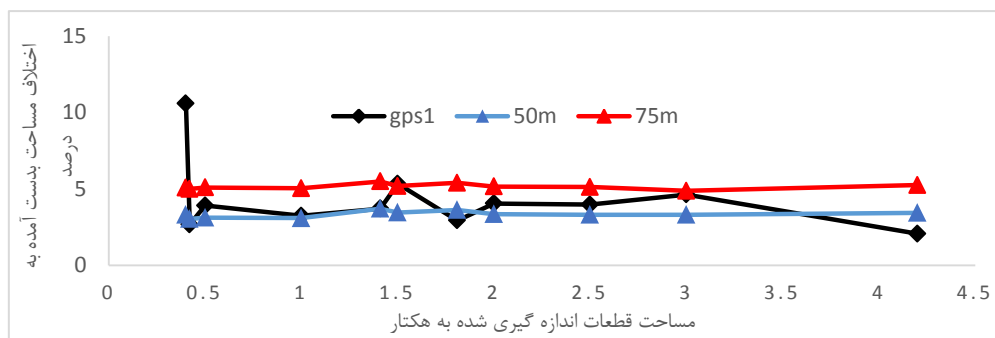
شکل ۸ نقشه تهیه شده با پهپاد در مقایسه با نقشه تهیه شده با استفاده از دوربین تئودولیت را نشان می‌دهد. شکل ۹ نمودار اختلاف مساحی با پهپاد را نسبت به GPS و تئودولیت بر حسب مترمربع و شکل ۱۰ بر حسب درصد نشان می‌دهد.



شکل ۸- نقشه تهیه شده با استفاده از پهپاد و مقایسه آن با نقشه تهیه شده با تئودولیت
Figure 8. Map prepared using UAV and comparing with the map prepared Teodolite



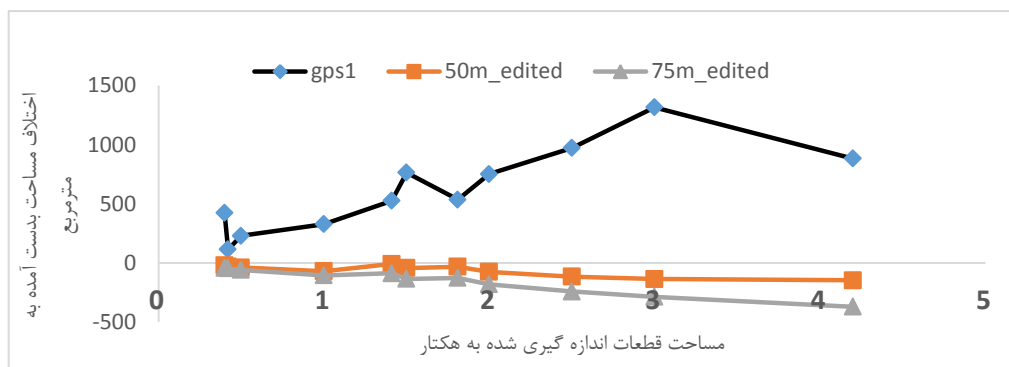
شکل ۹- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به مساحی GPS و تئودولیت بر حسب مترمربع
Figure 9. UAV surveying difference diagram rather than GPS and theodolite in square meter



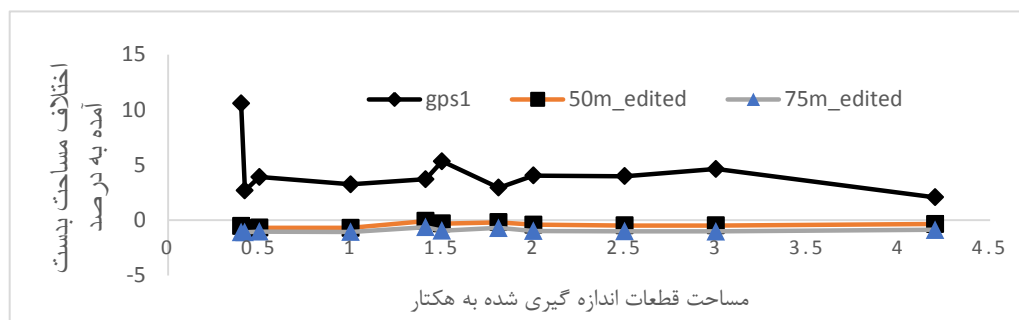
شکل ۱۰- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به مساحی GPS و تئودولیت بر حسب درصد
Figure 10. UAV surveying difference diagram rather than GPS and Teodolite in percent

با پهپاد را نسبت به تئودولیت پیش از اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی و پس از اعمال ضریب تصحیح بر حسب مترمربع و شکل ۱۴ بر حسب درصد نشان می‌دهد.

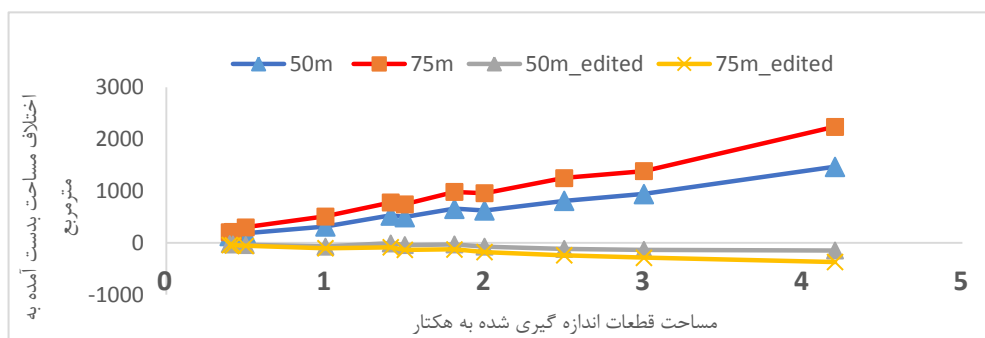
شکل ۱۱ نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به GPS به روش برداشت مسیر و تئودولیت بر حسب مترمربع پس از اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی و شکل ۱۲ بر حسب درصد نشان می‌دهد. شکل ۱۳ نمودار اختلاف مساحی



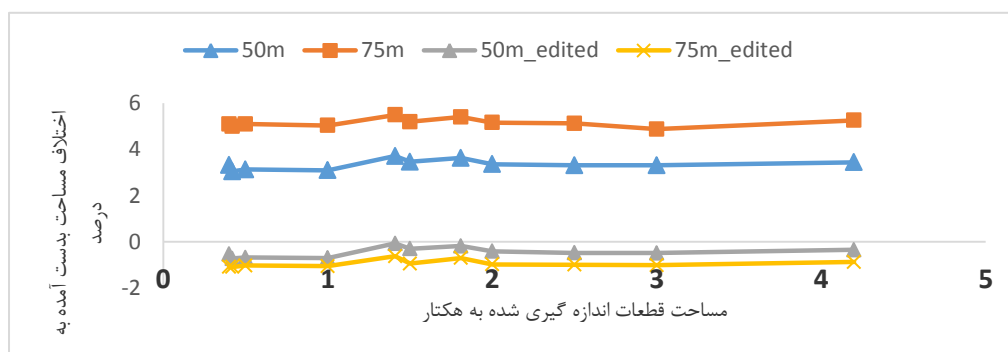
شکل ۱۱- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به GPS و تئودولیت بر حسب مترمربع پس از اعمال ضریب تصحیح
Figure 11. UAV surveying difference diagram rather than GPS and Teodolite in square meters after correction factor



شکل ۱۲- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به مساحی GPS بر حسب درصد پس از اعمال ضریب تصحیح
Figure 12. UAV surveying difference diagram rather than GPS and Teodolite in percent after correction factor



شکل ۱۳- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به تئودولیت بر حسب مترمربع پیش و پس از اعمال ضریب تصحیح
Figure 13. UAV surveying difference diagram rather than GPS in square meters before and after correction factor



شکل ۱۴- نمودار اختلاف مساحی پهپاد نسبت به تئودولیت بر حسب درصد پیش و پس از اعمال ضریب تصحیح
Figure 14. UAV surveying difference diagram rather than GPS in percent before and after correction factor

اختلاف معنی داری با دوربین تئودولیت نداشته است و تمام روش های دیگر دارای اختلاف معنی دار به احتمال ۹۹ درصد بوده اند.

جدول ۱ نتایج آنالیز آماری مساحت های اندازه گیری شده به روش های مختلف مساحی را با استفاده از نرم افزار SAS و آزمون آماری T-test نشان می دهد. از بین روش های مورد استفاده، فقط روش مساحی با GPS به روش برداشت نقطه،

جدول ۱- آنالیز آماری بررسی دقت مساحی به روش های مختلف با استفاده از آزمون T-test نرم افزار SAS
Table 1. Statistical analysis of the surveying accuracy of the different methods using SAS T-test

روش اندازه گیری	تعداد نمونه	درجه آزادی	اختلاف میانگین	اختلاف انحراف معیار	اختلاف اشتباه معیار	T اندازه گیری شده	احتمال
GPS اول به روش برداشت مسیر	۱۱	۱۰	۶۲۱/۹	۳۵۵/۶۸	۱۰۷/۲۴	۵/۸۰	**
GPS دوم به روش برداشت مسیر	۱۱	۱۰	۳۷۷/۶	۱۷۸/۳۳	۵۳/۷۶۹	۷/۰۲	**
GPS اول به روش برداشت نقطه	۱۱	۱۰	۱۸۴/۰۴	۳۶۱/۶	۱۰۹/۰۳	۱/۶۹	NS
GPS دوم به روش برداشت نقطه	۱۱	۱۰	۴۶/۲۲۳	۱۷۷/۴۶	۵۳/۵۰۷	۰/۸۶	NS
پهپاد در ارتفاع ۵۰ متر بدون ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی	۱۱	۱۰	۵۷۱	۴۰۲/۱۷	۱۲۱/۲۶	۴/۷۱	**
پهپاد در ارتفاع ۷۵ متر بدون ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی	۱۱	۱۰	۸۶۸/۸	۶۰۴/۷۷	۱۸۲/۳۵	۴/۷۶	**
پهپاد در ارتفاع ۵۰ متر با ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی	۱۱	۱۰	۶۵/۸۵	۴۸/۱۷۳	۱۴/۵۲۵	۴/۵۳	**
پهپاد در ارتفاع ۷۵ متر با ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی	۱۱	۱۰	۱۵۳/۲۷	۱۰۶/۶۹	۳۲/۱۷	۴/۷۶	**

** : اختلاف معنی دار به احتمال ۹۹ درصد، NS : اختلاف معنی دار نیست.

(۱۲،۹،۷) البته این روند ثابت نیست و کم و زیاد می شود و قابل پیش بینی دقیق نیست. نتایج نشان می دهد در صورتی که از دستگاه های GPS رایج به روش برداشت نقطه برای مساحی زمین هایی با سطح کم (کمتر از ۲/۵ هکتار) استفاده شود، درصد خطا ممکن است تا ۶ درصد باشد. در جنگل های شمال کشور تعداد جنگل کاری هایی که شکل مشخص و همچنین اضلاع کاملاً مستقیم داشته باشند نسبت به سایر جنگل کاری ها اندک است به همین دلیل این روش مساحی فراگیر نیست. شکل ۶ نشان می دهد با افزایش مساحت قطعات نمونه، میزان اختلاف مساحت بدست آمده از GPS به روش برداشت مسیر نسبت به مساحت واقعی نیز، روند ثابت و مشخصی را نشان نمی دهد و گاهی روند کاهشی و گاهی روندی افزایشی می یابد (شکل ۶) و هر کدام از GPS ها نیز مقدار متفاوتی را نشان می دهند. در این روش، برخلاف برداشت به روش نقطه ای، مساحت محاسبه شده همیشه بیشتر از مقدار واقعی بوده است. شکل ۷ نشان می دهد در روش مساحی با GPS به طریق برداشت مسیر، با افزایش سطح قطعات نمونه، درصد خطای مساحی کاهش می یابد. البته افزایش مقطعی نیز داشته و روند مشخص و قابل پیش بینی ندارد. درصد خطای مساحی به روش برداشت مسیر از روش مساحی به روش برداشت نقطه بیشتر است ولی با توجه به اینکه غالب جنگل کاری ها شکل هندسی مشخصی ندارند، ناگزیر کاربرد این روش بیشتر از روش برداشت نقطه ای است. از نتایج می توان استنباط نمود که مساحی زمین های با ارزش و بویژه در سطوح کم (کمتر از ۲/۵ هکتار) مساحی با GPS های رایج در طرح های جنگلداری، خطای قابل ملاحظه ای دارد و متناسب با سطح، این خطا حدود ۲ الی ۴ درصد نوسان دارد و روند کاهشی یا افزایشی ثابتی نیز ندارد. البته همان طور که ذکر شد، طبق نتایج این تحقیق، روش

در این تحقیق از قطعات نمونه مسطح و به صورت اشکال هندسی تقریباً منظم جهت مقایسه دقت مساحی GPS های رایج در طرح های جنگلداری و پهپاد بدون استفاده از نقاط کنترل زمینی و یا RTK^۱ و PPK^۱ استفاده شده است و لازم به ذکر است که استفاده از پهپاد با سیستم RTK یا PPK در مساحی، تولید نقشه هایی با خطای جابجایی مکانی کمتر از ۱۰ سانتی متر می نماید (۱) ولی پهپادهایی که به این سیستم مجهزند، بسیار گرانتر از پهپادهایی هستند که دارای سیستم GPS داخلی و بدون ایستگاه زمینی هستند و برای فراگیر کردن استفاده از پهپاد در مساحی جنگل کاری مناسب نیستند. از طرفی به علت وجود درختان انبوه و پستی بلندیها و کوههایی که بین ایستگاه زمینی و پهپاد دارای سیستم RTK قرار می گیرند، ارسال سیگنال تصحیح خطای محاسبه شده توسط ایستگاه زمینی به پهپاد ممکن است به خوبی میسر نباشد و افزایش قابل ملاحظه خطا را در پی داشته باشد که در جنگل نیاز به بررسی دارد. در این تحقیق پارامترهایی نظیر نوع پهپاد، شیب، ارتفاع از سطح دریا، فرم توپوگرافی و غیره ثابت در نظر گرفته شد.

شکل ۳ نشان می دهد با افزایش مساحت قطعات نمونه، میزان اختلاف مساحت بدست آمده از GPS به روش برداشت نقطه نسبت به مساحت واقعی، روند ثابت و مشخصی را نشان نمی دهد. مساحت را گاهی بیشتر از مقدار واقعی و گاهی کمتر از مقدار واقعی محاسبه می کند و هر کدام از GPS ها نیز مقدار متفاوتی را نشان می دهد که با نتایج تحقیقات حبشی و همکاران (۴) مطابقت دارد. اما همان طور که از شکل ۴ استنباط می شود در روش مساحی با GPS به طریق برداشت نقطه، با افزایش سطح قطعات نمونه، میزان خطای مساحی بر حسب درصد کاهش می یابد و از ۶ درصد به کمتر از ۲ درصد می رسد (باید در نظر داشت که منطقه دارای فضایی باز و بدون درخت و بدون موانع و یال و دره و بدون شیب باشد

مشخص هستند و استفاده از این روش فراگیر نیست. میانگین و انحراف از معیار و اشتباه از معیار مساحت قطعات نمونه با استفاده از پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی و با اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی در ارتفاع ۵۰ متر، نسبت به مساحتی با استفاده از تئودولیت، اختلاف کمتری نسبت به مساحتی با همان پهپاد در ارتفاع ۵۰ متر بدون ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که خطای مساحتی از حدود ۳/۵ درصد به حدود ۰/۵ درصد کاهش می‌یابد. کاهش خطای مساحتی با استفاده از ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی برای ارتفاع پرواز ۷۵ متر نیز مشابه است و خطای مساحتی از حدود ۵ درصد به حدود ۱ درصد کاهش می‌یابد. پراکنش تقریباً یکسان خطا در موزاییک تصاویر موجب می‌شود تا ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی تأثیر مهمی در کاهش خطای مساحتی با این روش داشته باشد. این موضوع اهمیت اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی را در مساحتی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی و یا روشهای دیگر نشان می‌دهد. استفاده از نقاط کنترل زمینی با بهره‌گیری از DGPS در جنگل نیز مسائل خاص خود نظیر قیمت بسیار زیاد، زمان زیاد مورد نیاز مساحتی و قطع ارتباط ایستگاه ارسال سیگنال با دستگاه دریافت‌کننده جهت تصحیح خطا به علت وجود یال و دره‌های عمیق را دارد که در انتخاب و اجرای روش مساحتی تأثیری مهم دارد. میانگین و انحراف از معیار و اشتباه از معیار مساحتی قطعات نمونه با استفاده از پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی و با اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی در ارتفاع ۵۰ و ۷۵ متر، نسبت به مساحتی با استفاده از تئودولیت، اختلاف کمتری نسبت به مساحتی با GPS به روش برداشت برداشت مسیر را نشان می‌دهد. در صورتی که روش‌های مساحتی با پهپاد حتی بدون استفاده از نقاط کنترل زمینی به دقت بررسی و انتخاب شود، می‌توان مساحتی دقیق‌تری نسبت به GPS های رایج در طرح‌های جنگلداری انجام داد و با نتایج تحقیقات شکری و صادقیان (۸) مطابقت دارد. مساحتی زمینی، مشکلاتی نظیر توپوگرافی جنگل‌های شمال، سختی ورود به منطقه جنگل‌کاری به دلیل وجود گونه‌های مهاجم علفی و چوبی و غیره دارد و با توجه به مزیت‌های فراوان پهپادها نظیر انعطاف زمانی و مکانی پرواز و تصویربرداری حتی در بارندگی ملایم (۶)، دقت تصویربرداری زیاد (اندازه پیکسل کمتر از ۵ سانتی‌متر) (۵) و نیز دقت مساحتی قابل قبول برای عرصه‌های جنگل‌کاری با استفاده از ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی می‌توان از پهپادهای سبک و ارزان‌قیمت نیز در مساحتی جنگل‌کاری‌ها استفاده نمود بویژه در مساحتی جنگل‌کاری‌هایی با سطح کمتر از ۳ هکتار (۴) که تاج پوشش جنگل سبب کاهش دقت GPS شده (۱۲،۹،۷) و استفاده از پهپادهای مجهز به سیستم RTK و PPK نیز مقرون به صرفه نیست. در این تحقیق پارامترهایی نظیر نوع پهپاد، شیب، ارتفاع از سطح دریا و فرم توپوگرافی ثابت در نظر گرفته شد و نیاز است تحقیقات بیشتری در زمینه تأثیر پارامترهای مذکور صورت پذیرد.

برداشت مسیر همیشه مساحتی را بیش از مقدار واقعی (برخلاف مساحتی به روش برداشت نقطه) نشان داده است.

شکل ۹ نشان می‌دهد با افزایش ارتفاع پرواز، مساحتی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی نسبت به تئودولیت، مساحت بیشتری را نشان می‌دهد. در یک ارتفاع پرواز مشخص، با افزایش سطح قطعه نمونه، مساحت محاسبه شده با استفاده از موزاییک تصاویر پهپاد نسبت به تئودولیت، مساحت بیشتری را نشان می‌دهد و افزایش اختلاف مساحت با میزان واقعی، با شیب و ریتم افزایشی ثابتی صورت می‌گیرد. شکل ۱۰ نشان می‌دهد با افزایش ارتفاع پرواز، درصد اختلاف مساحتی با پهپاد نسبت به تئودولیت، افزایش می‌یابد ولی خطی افقی و فاقد شیب با عددی ثابت را برای هر یک از قطعات نمونه نشان می‌دهد به طوری که مساحت قطعات نمونه در ارتفاع پرواز ۵۰ متر تقریباً ۳/۴ درصد و در ارتفاع پرواز ۷۵ متر تقریباً ۵/۲ درصد بیشتر از میزان واقعی است و افزایش سطح قطعه نمونه تأثیری محسوس بر این ضریب ثابت ندارد. ولی دستگاه GPS با روندی افزایشی و یا کاهشی، مساحتی می‌کند. با افزایش ارتفاع پرواز و افزایش سطح قطعه نمونه، مساحتی با پهپاد، همیشه مقداری بیشتر از مساحت واقعی را نشان داده و این میزان قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد. شکل ۱۱ نشان می‌دهد پس از اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی، در یک ارتفاع پرواز مشخص، درصد اختلاف مساحتی با پهپاد نسبت به تئودولیت، خطی افقی و فاقد شیب با عددی ثابت برای هر یک از ارتفاعات پرواز است ولی مقدار آن نسبت به GPS کمتر است. شکل ۱۲ نیز نشان می‌دهد که پس از اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی، درصد اختلاف مساحت محاسبه شده قطعات نمونه در ارتفاع پرواز ۵۰ متر تقریباً از ۳/۵ درصد به ۰/۵ درصد و در ارتفاع پرواز ۷۵ متر تقریباً از ۵ درصد به ۱ درصد کاهش یافته است. کاهش خطای مساحتی از ۵ درصد به یک درصد بدون نیاز به نقاط کنترل زمینی (۸) اهمیت بسیار زیادی در کاربرد پهپادهای سبک و ارزان قیمت در جنگل دارد زیرا جنگل همیشه هموار و بدون توپوگرافی نیست و امکان استفاده از روش‌های RTK و PPK در آن نیاز به زمان و هزینه فاحش دارد.

جدول ۱ نشان می‌دهد از بین روش‌های مورد استفاده، فقط روش مساحتی با GPS به روش برداشت نقطه، اختلاف معنی‌داری نسبت به برداشت با استفاده از دوربین تئودولیت ندارد و تمام روش‌های دیگر اعم از GPS به روش برداشت مسیر و پهپاد بدون ضریب تصحیح و نیز با اعمال ضریب تصحیح، دارای اختلاف معنی‌دار است. اختلاف میانگین و اختلاف انحراف از معیار و اختلاف اشتباه از معیار مساحت قطعات نمونه با استفاده از دستگاه GPS به روش برداشت نقطه نسبت به مساحتی با تئودولیت، اختلاف کمتری نسبت به برداشت با استفاده از همان GPS به روش برداشت مسیر دارد. مساحتی به روش برداشت نقطه زمانی اجرایی است که قطعات نمونه، دارای شکل هندسی مشخص و قابل مساحتی با استفاده از برداشت نقاط باشد و توجه به این نکته ضروری است که در بسیاری از موارد عرصه‌های جنگل‌کاری فاقد شکل هندسی

نتیجه گیری کلی

این تحقیق نشان داد مساحی جنگل کاری با استفاده از GPS های رایج در طرح های جنگلداری به روش برداشت نقطه دقیق تر از روش برداشت مسیر است و مساحی با پهپاد بدون نقاط کنترل زمینی، سیستم RTK و یا PPK دقیق تر از مساحی با GPS های رایج نیست و با افزایش ارتفاع پرواز،

خطای مساحی با روندی تقریباً ثابت افزایش می یابد. اما با اعمال ضریب تصحیح حاصل از شاخص زمینی، دقت مساحی با پهپاد دقیق تر از GPS های رایج در طرح های جنگلداری خواهد شد و خطای مساحی به کمتر از یک درصد کاهش می یابد.

منابع

1. Baghani, A., M. Valadanjoz, M. Mokhtarzadeh. 2016. Preparation of large scale cadastral maps from urban areas using a UAV photogrammetric method. The first national Conference on Geospatial Information Technology, K.N.Toosi University of Technology Faculty of Geomatics Engineering (In Persian).
2. Bilodeau, J.M., S. Gosselin, K. Lowell, G. Edwards and C. Gold. 1993. Operational integration of 5-PS into forest management activities which use a GIS to monitor forest operations, GIS 93 symposium, Vancouver British Columbia, 6 pp.
3. Cornforth, W., C. Nichol and J. Suarez. 2010. Remote sensing for practical forestry: Arboriculture to UAVs, university of Edinburgh, 24.
4. Habashi, H., M. Hoseini, R. Rahmani, J. Mohammadi and Sh. Shataei. 2006. Assessing the application of global positioning system in the field and networking of forest arenas. www.civilica.com/Paper-GEO85-GEO85-64 (In Persian).
5. Hunt, E.R., W.D. Hively, C.S. Daughtry, G.W. McCarty, S.J. Fujikawa, T. Ng, M. Tranchitella, D.S. Linden and D.W. Yoel. 2008. Remote sensing of crop leaf area index using unmanned airborne vehicles, In: In Proceedings of the Pecora 17 Symposium, Denver, CO.
6. Rango, A., A. Laliberte, J.E. Herrick, C. Winters, K. Havstad, C. Steele and D. Browning. 2009. Unmanned aerial vehicle-based remote sensing for rangeland assessment, monitoring, and management, J. Appl. Remote Sens, 3, Article No: 033542.
7. Roy, Y. 1991. Evaluation of the speed and precision of the GPS system in a wooded environment. Work done as part of the course: Integrated Surveys Project, Laval University, Geomatics Research Center.
8. Shokri. A.M. and S. Sadeghian. 2018. New developments in photogrammetric drone in 3D mapping and modeling. National Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Development. Tehran, Peace Education Institute, 10 pp (In Persian).
9. Spruce. M.D., S.E. Taylor, J.H. Wilhoit and B.J. Stokes. 1993. Using GPS to track forest machines. ASAE Technical Paper No. 93-7504. ASAE, St. Joseph, MI. 23 pp.
10. Taylor. S.E., T.P. McDonald, Veal .M.W, Grift. T.E, 2001, Using GPS to Evaluate Productivity and Performance of Forest Machine Systems. First International Precision Forestry Symposium Bell Harbor Conference Center Seattle, Washington, USA, 10 pp.
11. Tejada, P.J.Z., M.L. Guillén-Climent, R. Hernández-Clemente, A. Catalina, M.R. González and P. Martín. 2013. Estimating leaf carotenoid content in vineyards using high resolution hyperspectral imagery acquired from an unmanned aerial vehicle, Agricultural and Forest Meteorology, 171-172, 281-294.
12. Veal, M.W., S.E. Taylor, T.P. McDonald, D.K. Tackett and M.R. Dunn. 2001. Accuracy of tracking forest machines with GPS. Transactions of ASAE, 98-7018.

Surveying Precision Comparison between UAV Surveying without Ground Control Points, RTK, PPK Compared to Conventional GPS in Forestry Plans

Alireza Hosseinpour¹, Jafar Oladi², Hasan Akbari² and Mohammad Reza Serajian³

1- Corresponding Author, Forestry Experts, Natural Resources Faculty, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran, (Corresponding Author: archoosinpour88@gmail.com)

2- Associate Professor, Faculty of Natural Resources, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran

3- Professor, Faculty of Geology and Spatial Engineering, University of Tehran, Iran

Received: Jun 18, 2018 Accepted: July 14, 2019

Extended Abstract

Introduction and Objective: Precision surveying of plantations is important for forest management. But on the other hand, terrestrial area calculation of plantations has problems such as topography, presence of herbaceous, woody intrusive species, relatively low accuracy of conventional GPS in forestry plans, the cost and time of use of DGPS. UAVs have plenty of advantages, such as time and space flexibility in surveying with precise accuracy in centimeter level.

Material and Method: In this research, a drone was used without ground control points, (RTK) system or (PPK) for surveying, and its accuracy was compared to conventional GPS in forestry. The UAV that used was a quadcopter with a spatial resolution of 2/5 centimeters. In order to compare the precision, 7 sites 0/5, 1, 1/5, 2, 2/5, 3 and 4 hectares were used. GPS tracking was done using point and track method. UAV, s flight conducted at heights of 50 and 75 m, and a surveying with theodolite was used as a precision alignment index.

Results: The results of this study showed that surveying using conventional GPS in forestry is based on point method is more accurate than track method, and UAV surveying with no ground control points or (RTK) system or (PPK) is not more accurate than the conventional GPS used in forestry and with increasing flight altitude, its error increases with a nearly constant trend, but by applying the correction coefficient obtained from the ground index, the precision of the UAV surveying is more accurate than the GPS, and the error will be less than one percent decrease.

Conclusion: Considering that in Iran, this technique has not yet entered the studies of preparation and implementation of forestry plans and monitoring of afforestation and their surveying, the results of this study can be effective in the implementation of forestry plans.

Keywords: Correction coefficient, Plantation, Quad Copter, UAV, Theodolite